



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و هفدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

زمستان ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۳۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش	شماره گزارش: ۱۴۰۳/۱۱/۹۶/۱۱۷/۱
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی* یکصد و هفدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، افزایش سرمایه، رمزپول. تاریخ انتشار گزارش: زمستان ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط).....۴

مشروح مذاكرات مرتبط با دستور اول: جمع‌بندی نهایی در رابطه با بحث «چهارچوب سیاست‌گذاری

و تنظیم‌گری بانك مركزی در حوزه رمزیول‌ها».....۵

مشروح مذاكرات مرتبط با دستور دوم: بررسی مجدد موضوع «عدم توزیع سود فروش سرمایه‌گذاری

در سهام بین سپرده‌گذاران و سهامداران و صرفاً افزایش سرمایه از محل آن».....۹

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله محمد سعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین باقری بنابی (نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر فرشاد محمدپور (معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر سجاد افشار (معاون حقوقی و امور مجلس بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۱۰. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۱۱. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۱۲. خانم دکتر نوش آفرین مومن‌واقفی (معاون نظام پرداخت و فناوری‌های نوین بانک مرکزی)
۱۳. آقای دکتر حجت اسماعیل زاده (رئیس مرکز نظارت بانک مرکزی)
۱۴. آقای دکتر سید علی اکبر میرعمادی (سرپرست مدیریت کل نظارت غیراحتیاطی بانک مرکزی)
۱۵. آقای دکتر مانی یکتا (مدیر کل نظام های پرداخت بانک مرکزی)
۱۶. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۷. آقای حمیدرضا نوروزی (معاون اداره نظارت بر نظام های پرداخت بانک مرکزی)
۱۸. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۹. آقای محمد حسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۰. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۱. آقای مهدی شهبازی‌فرد (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۲. آقای کوروش بروجی (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۳. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

مشرح مذاکرات مرتبط با دستور اول: جمع‌بندی نهایی در رابطه با بحث «چهارچوب

سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری بانک مرکزی در حوزه رمپول‌ها»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: بانک مرکزی متولی تدوین چهارچوب سیاست‌گذاری و تنظیم امور مالی است که این اقدام را در راستای اجرای قانون بانک مرکزی انجام داده است. پیش‌تر، موضوعی که مطرح شد آن بود که شورای فقهی قبلاً مصوبه‌ای داشت که در کارگروه قم و همچنین در تهران مورد بررسی قرار گرفت. این مصوبه به این موضوع اشاره داشت که مالیت و غرر بر روی رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین برای شورای فقهی احراز نشده است و دلایلی برای این موضوع داریم که در صورت نیاز می‌توانیم ارائه دهیم. این مصوبه قبلی ما در این چهارچوب قرار دارد و تاریخ آن ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ است. همچنین، گزارشی در خصوص طرح مسئله و استخراج احکام مرتبط با مبادله رمزارزها و توکن‌ها ارائه خواهد شد. در زمینه موضوع‌شناسی، مبانی مورد استفاده ما شامل چندین سند است که در اینجا به آنها اشاره شده است. من به سرعت از بخش موضوع‌شناسی عبور می‌کنم تا همکاران حوزه مربوطه به طور کامل‌تر ارائه دهند. در اینجا ضرورت رمزارزها، انواع آنها، تفاوت بین رمزارز و توکن، ارز دیجیتال و ارز مجازی و همچنین منافع و مخاطرات رمزارزها مطرح شده است. ما از این بحث موضوع‌شناسی عبور می‌کنیم تا به مباحث بعدی برسیم.

مصباحی مقدم: در مورد موضوع‌شناسی باید بیشتر توضیح داده شود. در حال حاضر بحث رمزارزها در جریان است و باید به جنبه‌های مثبت و منفی آن و همچنین ابهامات و مخاطراتی که به همراه دارد، توجه کنیم. اگر بر این موارد تمرکز کنیم، دوستان می‌توانند بر اساس درک خود از موضوع، حکم فقهی را ارائه دهند. این موضوع به شدت مرتبط بوده و به نظر می‌رسد که دوستان حتماً در این زمینه مطالعه کرده‌اند. ابتدا نظرات، بیان شود و این بحث را جمع‌بندی کنیم تا بعد به ماهیت رمزارزها بپردازیم. در واقع، سیاست‌گذاری در این زمینه یک مسئله مهم است؛ که هنوز به ماهیت موضوع نپرداخته‌ایم. قبل از اینکه مشروعیت را اثبات کنیم، بانک مرکزی باید موضع خود را در مورد رمزارزها مشخص کند. این موضع‌گیری بدون تجویز یا منع استفاده از آنها باید انجام شود.

اسلامیان: موضع‌گیری نسبت به موضوعی نامشروع، مانند پرداختن به این بحث، به نوعی پذیرشی ضمنی است که ما این موضوع را پذیرفته ایم و چهارچوب‌هایی برای آن تعیین می‌کنیم. اگر واقعاً به فتوای معیار برسیم که نباید این موضوع را بپذیریم لازم است این مسئله تأکید شود.

ابوالحسنی: ما به طور کلی وارد بحث درباره ماهیت رمزارزها و انواع مختلف آنها نمی‌شویم. در قانون بانک مرکزی، ماده (۴) به این موضوع اشاره کرده‌اند که بانک مرکزی مسئول سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات مربوط به رمپول‌ها است. قانون به وضوح تعریف کرده که رمپول چیست و شورای نگهبان نیز آن را تأیید کرده است. بر اساس این تعریف، ما از میان انواع رمپینه‌ها، آنهایی را که به عنوان ابزار پرداخت و توکن‌های پرداخت شناخته می‌شوند، انتخاب کرده و برای آنها مقررات وضع کرده‌ایم. به این ترتیب، تنها بانک مرکزی مجاز به تنظیم مقررات برای توکن‌های پرداخت است.

در مورد سایر انواع توکن‌ها، ما گفتیم که به بانک مرکزی مربوط نمی‌شود. برخی از آنها مربوط به بورس هستند و باید به بورس بروند. برخی دیگر توکن اگر کالایی یا توکن کاربردی باشند، باید جهت بررسی به بخش‌های مرتبط خود بروند و ما در این زمینه مسئولیتی نداریم. ما تنها برای بخش مربوط به رمزپول‌ها، که نه به عنوان دارایی و نه به عنوان رمزارز شناخته می‌شوند، وارد عمل شدیم. بر اساس قانونی که وجود داشت، بانک مرکزی موظف بود چهارچوب رمزپول را مشخص کند و ما نیز تعریف رمزپول را ارائه دادیم. در نهایت، ما پول دیجیتال بانک مرکزی را ایجاد کردیم.

مصباحی‌مقدم: پشت این موضوع بانک مرکزی قرار دارد، زیرا این نهاد است که ارز دیجیتال را ایجاد می‌کند و برای آن چهارچوب سیاست‌گذاری مشخصی تعریف می‌کند. در واقع، من به تصمیماتی که مسئولان در وزارتخانه‌ها و بانک مرکزی اتخاذ می‌کنند، اشاره کرده بودم.

ابوالحسنی: ما در واقع در همان نقاطی که موجب این نگرانی‌ها شده، اقدام به ممنوعیت کرده‌ایم و اکنون تحت فشار قرار گرفته‌ایم که چرا این کارها را انجام می‌دهیم. بانک مرکزی بر اساس قوانین، کارایی خود را توجیه می‌کند و نمی‌تواند به سادگی اجازه دهد که افراد بدون توجه به مسائل شرعی، اقدام به استخراج ارز دیجیتال نموده و از آن استفاده کنند. این موضوع می‌تواند به تدریج باعث بی‌ارزش شدن پول ما شود. ما در این زمینه محدودیت‌هایی را اعمال کرده‌ایم و اکنون گفته می‌شود که بانک مرکزی محدودیت‌هایی را وضع کرده است که به ما مربوط نمی‌شود. ما این ادعا را قبول نداریم، اما در مورد پول‌هایی که به بانک مرکزی مربوط می‌شود، چه اسکناس‌ها و چه ارزهای دیجیتال، باید مقرراتی وضع کنیم. ما به صورت متمرکز و آفلاین ارز دیجیتال تولید می‌کنیم و به مردم ارائه می‌دهیم. اگر مقرراتی نداشته باشیم، مردم نمی‌دانند چگونه از رمزارزها و توکن‌های پرداخت مانند بیت‌کوین استفاده کنند و این موضوع قابل پذیرش نیست.

مومن واقفی: در سال ۹۸، شورای فقهی مصوبه‌ای صادر کرد که بر اساس آن، مبادلات رمز ارزها غیرمجاز اعلام گردید. مصوبه به استفتائات قبلی از دفتر مقام معظم رهبری مرتبط بود که در آن نظر فقهی در مورد تعیین تکلیف رمزارزها ارائه می‌گردید. در قانون جدید بانک مرکزی، به طور صریح به «رمزپول‌ها» اشاره شده و تعریفی مشخص از آنها ارائه گردیده است. بر اساس این قانون، تنظیم‌گری در این حوزه پذیرفته شده و بانک مرکزی نیز به عنوان یک نهاد قانونی، چهارچوب کلی رمزپول‌ها را مورد تأکید قرار داده است. بر این اساس، در آینده سندها و دستورالعمل‌های اجرایی تدوین خواهد شد. بانک مرکزی به هیچ عنوان توصیه نمی‌کند که مردم به استفاده از این رمزارزها روی آورند و سیاست این نهاد عدم ترویج استفاده از آنها به دلیل ریسک‌های احتمالی است. در مورد رمزریال دیجیتال، آقای دکتر میثمی نیز اشاره کردند که این موضوع شفاف است و کاربردهای مشخصی در کشور دارد و همچنین مسئول و متولی مشخصی برای آن تعیین شده است.

در اینجا یک طبقه‌بندی ارائه شده است که توکن‌های مربوط به پرداخت در حوزه بانک مرکزی را شامل می‌شود. اما دو توکن دیگر به هیچ عنوان در حیطه فعالیت بانک مرکزی قرار نمی‌گیرد. در قانون به طور واضح بیان شده است که این توکن‌ها نمی‌توانند به عنوان ابزار پرداخت مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، ما به این توکن‌ها رسمیت نمی‌دهیم تا در کشور به عنوان ابزار پرداخت به کار گرفته شوند. این نکته، به‌ویژه در متن سند بانک مرکزی، از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین توصیه‌های دیگری نیز وجود دارد که به آگاهی بخشی به مردم مرتبط می‌شود.

بانک مرکزی برای ایجاد چهارچوب مناسب در این زمینه، به نکاتی اشاره کرده است.

بانک مرکزی نه تنها اعلام کرده که این معاملات به عنوان ابزار پرداخت شناخته نمی‌شوند، بلکه تأکید نموده است که هر پلتفرمی که در این زمینه فعالیت می‌نماید، باید به مردم در دو جنبه آگاهی کامل بدهد. یکی از این جنبه‌ها، ریسک‌های مربوط به مبادله و نگهداری این ارزهاست. زیرا ریسک نوسان قیمت این ارزها، مانند بیت‌کوین، به گونه‌ای است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را مدیریت کند. همچنین، ممنوعیت ما نمی‌تواند مانع استفاده مردم از این ارزها شود؛ به عبارت دیگر، نباید تصور کرد اگر بانک مرکزی امروز اعلام کند استفاده از رمزارزها ممنوع است، از فردا مردم به سراغ آنها نخواهند رفت. بنابراین، ما تنها می‌توانیم تا حد امکان به حقوق مصرف‌کننده توجه کنیم، خطرات را اعلام کنیم و از تأثیرگذاری رمزارزها بر نظام پولی و بانکی جلوگیری نماییم.

در واقع، وقتی به سایر موارد این سند نگاهی بیندازیم، دو جنبه کلی را مشاهده می‌کنیم. یکی از این جنبه‌ها مربوط به وجود کارگزاران رمزارز است؛ به عبارت دیگر، بانک مرکزی دو نهاد را به عنوان (صرافی‌های رمزارز) و (نهادهای امین) در نظر گرفته است. این نهادها به نوعی می‌توانند ریسک کیف پول‌ها را مدیریت کنند. برای این منظور، این نهادها باید از بانک مرکزی مجوز دریافت نمایند. این تنها بندی از سند است که در حال حاضر با مقاومت‌هایی در بازار مواجه است، زیرا منافع مالی زیادی در این زمینه وجود دارد و برخی اشخاص تمایل ندارند تحت کنترل بانک مرکزی فعالیت کنند. سایر موارد اشاره شده در سند تأثیر خاصی بر سیاست‌ها یا مسائل این حوزه ندارد.

همچنین، توکن‌هایی که پشتوانه طلا و فلزات گرانبها را دارند نیز به مجوز بانک مرکزی نیاز دارند و هیچ‌کس بدون این مجوز نمی‌تواند در این حوزه فعالیت کند. در پاسخ به این سوال که جنبه مثبت این رمزارزها چیست؟ باید گفت که در شرایط تحریم فعلی، بیت‌کوین‌هایی که در داخل کشور تولید می‌شوند، می‌توانند در زمینه صادرات و واردات مورد استفاده قرار گیرند. این موضوع نیز به وزارت صمت واگذار شده تا با همکاری بانک مرکزی در مورد آن تصمیم‌گیری شود.

بانک مرکزی تأیید نمی‌کند که این رمزارزها به عنوان ابزار پرداخت در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرند، در واقع اگر کسی اقدام به خرید رمزارز کند، تنها یک دارایی را خریداری می‌کند که قصد دارد آن را نگه دارد.

میثمی: این سند از دیدگاه کارشناسی دبیرخانه مناسب به نظر می‌رسد و مشکلی ندارد. تنها نکته‌ای که به نظر ما ممکن است با مصوبه قبلی شورای فقهی در تضاد باشد، این است که فردی بیت‌کوین را به عنوان دارایی خریداری کرده و برای کسب سود نگهداری کند، نه به عنوان ابزار پرداخت. در این حالت، به نظر می‌رسد که اشکال وجود دارد، چرا که از منظر شورای فقهی مالیت بیت‌کوین احراز نشده است.

نکته دوم این است که شورای فقهی تنها استخراج بیت‌کوین را برای واردات مجاز دانسته و نه برای سایر فعالیت‌ها. مبنای فقهی این موضوع نیز «جوار فروش کالای حرام به مُسْتَحِل» است. این موارد در گزارش دبیرخانه ذکر گردیده است. بنابراین، ماده (۲) فقط ابزار پرداخت را ممنوع کرده و لازم است در این رابطه شفاف‌سازی صورت پذیرد.

ابراهیمی: رمزپول یا ارز دیجیتال، نوعی پول است که به صورت رمزنگاری شده در بستر پایگاه داده‌های مشترک و متمرکز (با محوریت بانک مرکزی) ایجاد می‌شود. همچنین، این ارزها به صورت غیرمتمرکز مبادله می‌شوند. در قانون بانک مرکزی، وظایف تنظیم‌گری و نظارت بر مبادلات رمزپول‌ها در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه به عنوان یکی از مسئولیت‌های بانک مرکزی مطرح شده است. در این راستا، بانک مرکزی موظف است که بازارهای متشکل ارز و رمزپول‌های مجاز را ایجاد و توسعه دهد. تبصره ذیل ماده قانونی مرتبط بیان می‌کند که تصمیم‌گیری درباره مجاز بودن یا نبودن نگهداری و مبادله انواع رمزپول‌ها، بر عهده هیئت عالی است. به این ترتیب، این هیئت به طور رسمی مسئول تعیین ضوابط استفاده از رمزپول‌ها می‌باشد. همچنین، در ماده (۵۹) به طور دقیق‌تری اشاره شده که مسئولیت انحصاری ابلاغ دستورالعمل‌های لازم در زمینه نظام‌های پرداخت، فناوری‌های نوین مالی مرتبط با ابزارهای پرداخت و رمزپول‌ها، به عهده بانک مرکزی است.

مصباحی‌مقدم: توجه داشته باشید که رمزریال ایرانی یک امر داخلی است که تحت نظارت بانک مرکزی قرار دارد و اعتبار آن نیز از سوی این بانک تأمین می‌شود. این موضوع در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط به بانک مرکزی معنا پیدا می‌کند.

رضایی: هیئت وزیران با تصویب یک مصوبه، به طور رسمی اجازه داد که شما می‌توانید به استخراج ارزهای دیجیتال، مانند بیت‌کوین، بپردازید. به عنوان مثال، اگر کسی چند بیت‌کوین دارد و می‌خواهد آنها را جابجا کند، هزینه‌های مربوط به این جابجایی به صورت توافقی تعیین می‌شود. در این فرآیند، بیت‌کوین‌ها به صورت مستقیم جابجا می‌شوند و این معاملات به دلیل مصوبه بانک مرکزی به راحتی انجام می‌گیرد.

مصباحی‌مقدم: آنچه که بنده بررسی کردم، به نظر نمی‌رسد که سیاست تنظیم‌گری بانک مرکزی برای رمزپول ایرانی مناقشه‌ای داشته باشد. در مورد رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین، هیچ نهاد ملی یا بین‌المللی که مشروعیت بخشی داشته باشد، وجود ندارد و این موضوع می‌تواند به ضرر سرمایه‌گذاران منجر شود. یعنی این خطر وجود دارد که افرادی که دارایی‌های خود را در قالب این رمزارزها قرار داده‌اند، با خطر بی‌ارزش شدن آنها مواجه شوند. اما در مورد رمزپول ایرانی، این موضوع متفاوت است. زیرا پشتوانه آن، بانک مرکزی است که مانند ریال، ریال رمزی را نیز ایجاد می‌کند. بنابراین، اعتبار این رمزپول به اعتبار بانک مرکزی و قوانین مربوط به آن بستگی دارد و این مناقشه‌ای که در مورد رمزارزهای جهان‌روا مطرح می‌شود، در مورد رمزپول ایرانی صدق نمی‌کند.

باقری بنابی: لطفاً بفرمایید این رمزارز که توسط بانک مرکزی ایران حمایت می‌شود، در سطح جهانی چه کشورهایی مشابه آن را دارند؟

ابوالحسنی: نزدیک به ۴۰ کشور مورد بررسی قرار گرفتند که در این میان، ما در حال حاضر پنجمین یا ششمین کشوری هستیم که این اقدام را در حوزه CBDC انجام می‌دهیم. در واقع، ما در حال پیشرفت در زمینه ارز دیجیتال بانک مرکزی هستیم و کشورهای چین، روسیه و امارات نیز در این زمینه فعالیت دارند. ما به ویژه از تجربه امارات به عنوان مبنای

کار خود استفاده کرده‌ایم، زیرا تنظیم‌گری آن کشور بسیار کامل و جامع بود. این نکته نیز در سند ما مورد اشاره قرار گرفته است.

مصباحی‌مقدم: با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان موضوع را بدین صورت جمع‌بندی نمود که کلیت دستورالعمل بانک مرکزی فاقد اشکال شرعی می‌باشد؛ اما لازم است مصوبه قبلی شورای فقهی در این خصوص، مورد توجه بانک مرکزی قرار گیرد.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: بررسی مجدد موضوع «عدم توزیع سود فروش

سرمایه‌گذاری در سهام، بین سپرده‌گذاران و سهامداران و صرفاً افزایش سرمایه از محل آن»

میثمی: موضوع عدم توزیع سود حاصل از فروش سرمایه‌گذاری در سهام، میان سپرده‌گذاران و سهامداران و همچنین افزایش سرمایه از این محل، موضوعی است که چندین بار در شورای فقهی مورد بحث قرار گرفته و به جمع‌بندی و مصوبه نیز رسیده است. آقای دکتر محمدپور به این نکته تأکید داشتند که این موضوع دوباره در دستور کار قرار گیرد و همکاران نظارت توضیحات مختصری ارائه دهند.

محمدپور: لطفاً یک بار مصوبه و تاریخچه موضوع را مرور داشته باشیم، سپس همکاران معاونت تنظیم‌گری و نظارت مباحثی را ارائه کنند و در ادامه ما نظرات تکمیلی درباره این موضوع را مطرح می‌کنیم.

میثمی: در این رابطه جمع‌بندی دیدگاه شورای فقهی قبلاً به حوزه نظارت ابلاغ شده است که در ادامه در قالب پنج بند قرائت می‌گردد.

نظری: جمع‌بندی بدین صورت می‌باشد:

بند اول: سپرده‌گذارانی که قبل از سال ۱۳۹۹ تسویه حساب کرده‌اند، از سود فروش سهام بهره‌مند نخواهند شد.

بند دوم: سپرده‌گذاران پس از سال ۱۳۹۹ نیز از سود فروش این سهام حقی ندارند.

بند سوم: سپرده‌گذارانی که در سال ۱۳۹۹ سپرده‌گذاری کرده‌اند یا سپرده‌گذاری آنها در این سال ادامه داشته، از سود فروش سهام بهره‌مند خواهند شد.

بند چهارم: سهم بانک‌ها از خرید سهام باید به طور جداگانه محاسبه شده و به نسبت منابع داخلی آنها (در استخر مشاع) به بانک تعلق گیرد.

بند پنجم: بانک به عنوان جایگزین سپرده‌گذاران قبل از سال ۱۳۹۹ در سهام فروخته شده عمل می‌کند.

جیت سازان: ارائه‌ای که دوستان آماده کرده بودند و در چند جلسه به بحث گذاشته شد، شامل توضیحات مفصلی درباره مبانی نظری مقررات مربوط به قانون عملیات بانکی است. این مصوبه که از شورای فقهی به دست ما رسید، که برخی از بندهای آن دارای ایراد بوده و برخی دیگر نیز در واقع به درستی اجرا گردیده بودند. به همین دلیل، ما گزارشی در این زمینه تهیه کردیم و همان‌طور که مطلع هستید، این گزارش به هیئت عامل ارائه شد و قرار است دوباره در شورای فقهی مورد بررسی قرار گیرد. موضوعی که در حال حاضر به آن پرداخته می‌شود، منطق محاسبه سود مشاع می‌باشد. که بر اساس فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا تنظیم شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که در پایان هر سال، سهم سود قطعی سپرده‌گذاران برای آن سال محاسبه می‌گردد. در صورتی که این سود بیشتر از سود علی‌الحساب باشد، مازاد به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود. اگر سود قطعی کمتر از سود علی‌الحساب باشد، کسری به عنوان هبه در نظر گرفته می‌شود. در مواردی که این دو برابر باشند (که به ندرت اتفاق می‌افتد)، در واقع هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت. می‌خواهم اضافه کنم که بر اساس اطلاعاتی که از همکاران نظارت بر بانک‌های ۱ و ۲ دریافت کرده‌ایم، تنها یک بانک در زمینه افزایش سرمایه از این محل اقدام کرده است. یعنی سایر بانک‌ها در محاسبات سود مشاع خود، سود ناشی از فروش سرمایه‌گذاری‌ها را در نظر گرفته‌اند و سهم سپرده‌گذاران را پرداخته‌اند.

به عبارت دیگر بانکها اگر فروشی از این سرمایه‌گذاری‌ها انجام داده باشند و سودی حاصل شده باشد، آن را در محاسبات لحاظ کرده و سهم سود سپرده‌گذاران را پرداخت کرده‌اند؛ مگر اینکه آن سرمایه‌گذاری به‌طور کلی فروخته نشده باشد. یعنی در دفاتر آن بانک همچنان موجود است و در این صورت، به طور طبیعی در محاسبات سود مشاع نیز در نظر گرفته نمی‌شود.

به عنوان مثال، اگر سال ۹۹ را در نظر بگیریم که موضوع این مصوبه است، در پایان سال ۹۹ بانک یک سرمایه‌گذاری در پتروشیمی (الف) داشته که فروش آن منجر به کسب سود شده است یعنی این سود در محاسبات سود مشاع سال ۹۹ بانک لحاظ شده است؛ به شرطی که این سرمایه‌گذاری هنوز فروخته نشده باشد. در صورتی که در تاریخی که سرمایه‌گذاری فروخته می‌شود، مصوبه شورای پول و اعتبار همچنان معتبر باشد، بانک می‌تواند بر اساس این مصوبه، سود را به سپرده‌گذاران پرداخت نکند. به هر حال اگر این مصوبه تغییر کند یا لغو شود، باید توجه داشت که طبق آمارهای دریافتی از ادارات نظارتی، تنها یک بانک از این مصوبه استفاده کرده و سایر بانک‌ها سرمایه‌گذاری‌های خود را فروخته‌اند و سود آن را به سپرده‌گذاران پرداخت کرده‌اند.

مصباحی‌مقدم: بانکی که این کار را انجام نداده و به نوعی سود حاصل از این سهام را به حساب خود واریز کرده، باید نسبت به سپرده‌گذاران که در آن سال حساب‌هایشان برای خرید این سهام استفاده شده، اقدام به اصلاح کند. (یعنی سهم آنها از سود را بپردازند)

محمدپور: به نظر من، بحث ما حول این موضوع می‌چرخد که منافع ناشی از سرمایه‌گذاری گروهی از افراد، چه به عنوان سپرده‌گذار و چه به عنوان سرمایه‌گذار، باید به طور منطقی و عادلانه تقسیم شود. از نظر فقهی، شرعی، عقلانی و اقتصادی، هیچ‌کس در این زمینه تردیدی ندارد. اما مقدمه‌ای که باید در نظر بگیریم، شرایط خاص کشور ماست که باید در تحلیل‌های خود لحاظ کنیم. در نظام بانکی فعلی، سپرده‌گذاران همواره از سود بانک و منافع سپرده‌های خود بهره‌مند می‌شوند و هیچ

سپرده‌گذاری به دلیل زیان انباشته بانک‌ها نگرانی ندارد. بلکه ممکن است خوشحال هم باشد، زیرا هر چه زیان انباشته بانک بیشتر باشد، به نظر می‌رسد که سپرده‌گذاران از این وضعیت بهره بیشتری می‌برند. یعنی ناترازی در بانک‌ها می‌تواند به سپرده‌گذاران به دلیل شرایط خاص شبکه بانکی، منافع بیشتری ارائه دهد.

به عنوان مثال، در بانک (الف)، به دلیل ریسک‌های موجود و ناترازی این بانک، سپرده‌گذاران ممکن است از این بانک ۳۰ درصد سود دریافت کنند، در حالی که از بانکی که وضعیت سلامت مناسبی دارد، تنها ۲۳ تا ۲۵ درصد سود خواهند گرفت. بنابراین، در شرایطی که یک بانک دچار مشکلات مالی و زیان دهی است، تمامی زیان‌ها به سهام‌داران آن بانک منتقل می‌شود. سپرده‌گذاران نه تنها در زیان شریک نیستند، بلکه از بانک‌های خاص سود بیشتری نسبت به حالت عادی دریافت می‌کنند. باید توجه داشته باشید که در کشور ما، احتمالاً بیش از ۵۰ درصد از بانک‌ها در چنین شرایطی قرار دارند. اگر به وضعیت واقعی صورت‌های مالی نگاه کنیم و فرض کنیم که حسابرسی به درستی انجام شود، ممکن است بیش از ۸۰ درصد از بانک‌ها در این شرایط باشند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که سود تسهیلات به صورت تعهدی ثبت می‌شود، در حالی که سود سپرده‌گذاران به صورت نقدی پرداخت می‌گردد. اینجا یک فاصله وجود دارد؛ سود تسهیلات به صورت تعهدی شناسایی می‌شود و ذخایر حاصل از این سود، به نوعی تسهیلاتی هستند که از نظر بهداشت اعتباری در وضعیت مناسبی قرار ندارند و به عنوان تسهیلات غیر جاری شناخته می‌شوند. ما این سود را در دفاتر خود ثبت می‌کنیم و در نظام بانکی، پرداخت سود به سپرده‌گذاران بر اساس شرایط خاصی، انجام می‌شود. در این محیط کاری، بانک‌ها بخشی از دارایی‌ها و منابع خود را به اشتباه در سرمایه‌گذاری‌هایی به کار گرفته‌اند.

در واقع، اگر ما به صورت اصولی و فقهی عمل می‌کردیم، سپرده‌گذاران باید در زیان‌ها بانک شریک می‌شدند و سود کمتری دریافت می‌کردند. اما نه تنها در آن زمان سود بیشتری به سپرده‌گذاران پرداخت کردیم، بلکه اکنون نیز سود اضافی به آنها می‌دهیم. این واقعیت، داستانی است که در نظام بانکی ما در حال حاضر وجود دارد. نتیجه اجرای این مصوبه به این شکل خواهد بود که عملاً نظام بانکی ما با پرداخت دارایی‌های خود به سپرده‌گذاران، دچار کاهش دارایی می‌شود.

مصباحی‌مقدم: این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که نظام بانکی ما واقعاً اسلامی نیست و در حقیقت، ما تنها بانکداری ربوی را با مشکلات بیشتری تکرار کرده‌ایم. ریشه این مسئله در سود تعهدی حسابداری نهفته است، در حالی که قانون عملیات بانکی بدون ربا به روشنی بیان می‌کند که بانک هیچ‌گونه سودی را متعهد نمی‌شود. منابع مالی که مردم در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند، به تولید، تجارت و پروژه‌ها اختصاص می‌یابد و بانک‌ها پس از کسر حق‌الوکاله خود، سود حاصل را به تناسب مبلغ سپرده‌ها بین سپرده‌گذاران توزیع می‌کنند. اما این فرآیند به درستی رعایت نمی‌شود و مشکل اصلی در همین قسمت می‌باشد. بانک‌ها به سپرده‌گذاران وعده سود می‌دهند و در این زمینه با یکدیگر رقابت می‌کنند. برای مثال، بانک آینده به دنبال جذب منابع مالی بیشتر است تا بتواند سود سپرده‌گذاران قبلی را پرداخت کند. این در حالی است که این پول به طور مستقیم در تولید و تجارت به کار نمی‌رود و تنها به حساب سپرده‌گذاران واریز می‌شود.

این موضوع باید مورد توجه بانک‌ها قرار گیرد؛ زیرا در طول یک سال مالی، باید بررسی کنند که از تأمین مالی تسهیلات‌گیرندگان چه مقدار سود کسب کرده‌اند و آن سود واقعی را به تناسب مبلغ و مدت سپرده‌ها بین سپرده‌گذاران توزیع کنند. در واقع، بانک‌ها باید به سود واقعی توجه داشته باشند و نه به سودی که به سپرده‌گذاران وعده داده‌اند. این تعهدات نادرست و غیرقانونی، موجب رقابت ناسالم در اعلام سود و ایجاد شبهه‌ریا می‌شود.

آیت الله حائری شیرازی قبلاً بیان کرده‌اند که در سال ۱۳۶۲، قانون عملیات بانکی بدون ربا به محضر امام خمینی (ره) ارائه شد. امام در این جلسه به جزئیات موضوع ورود نکردند و تنها فرمودند: «بسیار خوب، بروید و کاری کنید که پول سود نکنند». اما ما اقداماتی انجام دادیم که پول همچنان سود می‌کند و به سپرده‌گذاران سود از پیش تعیین شده‌ای پرداخت می‌کنیم و از سرمایه‌گذاران که تسهیلات دریافت کرده‌اند، سود را مطالبه می‌کنیم. بنابراین، عملکرد بانک‌هایی که داریم، ناتراز است. در موضوع مورد بحث، ما می‌خواهیم از منابع سود سپرده‌های مردم که به سهام تبدیل شده و با رشد قیمت همراه بود، استفاده کنیم و بگوییم که با این منابع ناترازی بانک جبران شود. آیا این صحیح است؟ عملیات بانکی دو طرف دارد و سود مشاع به وجود آمده است؛ بانک سهم خود را نگه می‌دارد، اما سهم سپرده‌گذار نمی‌تواند متعلق به بانک باشد.

محمدپور: ما ناترازی در نظام بانکی را با حقوق دیگران جبران نکرده‌ایم. از نظر اقتصادی و فقهی، این کار از هیچ جنبه‌ای صحیح نیست. در طول سال‌های گذشته، سپرده‌گذاران سودهای خود را دریافت کرده‌اند و در زیان، شریک نبوده‌اند. دلیل این موضوع چیست؟ یکی از دلایل این است که ما در مورد سود تسهیلاتی که شما اشاره کردید، تعهداتی داریم. دومین نکته این است که سپرده‌گذاران، چه در بانک‌های سودده و چه در بانک‌های زیان‌ده، باید طبق شرایط فعلی، سود خود را دریافت کنند. یعنی ضرر اصلی متوجه سهام‌داران است که تسهیلاتی دریافت نکرده‌اند و زیان آنها در واقع به زیان بانک مربوط می‌شود.

لازم است موجه شود که اگر واقعاً این گزاره‌ای که قبلاً مطرح کرده ایم را بپذیریم، باید قبول کنیم که سپرده‌گذار در بانکی که زیان داشته، در شرایط بدی قرار دارد. یعنی سپرده‌گذار در زیان بانک شریک نبوده، تنها سود حداقلی خود را دریافت کرده است. افرادی که ریسک‌پذیر هستند، ممکن است هزاران رفتار مالی را در ذهن خود داشته باشند و در نهایت سپرده‌گذاری را انتخاب کنند. سپرده‌گذاری که در یک بانک ناتراز انجام می‌شود، دوباره ممکن است به سود دیگری دست یابد.

عرب‌مازار: این بحثی که آقای دکتر محمدپور مطرح کردند، مربوط به یک بانک خاص نیست، بلکه به روند کلی مربوط می‌شود. موضوع اصلی این است که سود حاصل از فروش سهامی که بانک از منابع مشاع خریداری کرده، متعلق به چه کسی است. همکاران حوزه نظارت می‌گویند که طبق دستورالعمل، به سود مشاع تعلق می‌گیرد. اگر من درست متوجه شده باشم، طبق دستورالعمل اینگونه است.

چیت‌سازان: بر اساس دستورالعمل‌های حوزه نظارت، قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های مربوطه، به ویژه فصل سوم، بیان می‌کند که سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانک‌ها در زمینه‌های مختلف، یکی از جنبه‌های مشارکت

حقوقی محسوب می‌شود. در واقع، الگو و رویکرد قانونی باید مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین، زیان‌هایی که آقای دکتر محمدپور به درستی به آن اشاره کرده‌اند، باید در آئین‌نامه‌های مصوب هیئت وزیران اصلاح شوند. به طور قطع، سپرده‌گذاران باید در زیان‌ها مشارکت داشته باشند و هزینه‌های مطالبات باید از منافع سپرده‌گذاران کسر شود. اما همچنان، مشکلات قانونی و چالش‌های دیگری در آیین‌نامه‌ها وجود دارد.

اسماعیل زاده: ما با یک چالش اساسی مواجه هستیم که فراتر از مباحث اجرایی است. این چالش به پیش‌فرضی مربوط می‌شود که در اینجا مطرح شده است؛ به این معنا که دارایی‌هایی که به صورت مشارکت حقوقی و سهام، فروخته شده‌اند و سودی نیز داشته‌اند، از منابع مشاع یا سپرده‌گذاران تأمین شده‌اند. به نظر بنده، ابتدا باید داده‌های مربوط به این موضوع را بررسی کنیم تا وضعیت واقعی را درک گردد و ببینیم، آیا این پیش‌فرض صحیح است یا خیر؟ بنده چند داده را به شما ارائه می‌دهم تا بر اساس آنها قضاوت کنیم. یکی از نسبت‌هایی که در بانک‌ها داریم، نسبت تسهیلات به سپرده‌هاست؛ یعنی از مجموع سپرده‌هایی که جذب کرده‌اید، چه مقدار به عنوان تسهیلات اعطا شده است؟ به طور طبیعی، بخشی از منابع به سرمایه‌گذاری در سهام و موارد مشابه اختصاص یافته است. تسهیلاتی که به مشتریان ارائه شده، طبق قوانین و مقررات انجام گردیده‌اند، در حال حاضر، نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در کل شبکه بانکی تقریباً بین ۸۴ تا ۸۵ درصد است. به عبارت دیگر، ۸۵ درصد از سپرده‌هایی که در شبکه بانکی جمع‌آوری شده، به عنوان تسهیلات به مشتریان اعطا شده است. البته ممکن است ما یا شما نقدهایی به این موضوع داشته باشیم که این تسهیلات به کجا رفته، اما به هر حال این نشان‌دهنده این است که ۸۵ درصد از منابع سپرده‌ای در تسهیلات به کار گرفته شده است. همچنین، برخی از بانک‌ها وجود دارند که نسبت تسهیلات به سپرده‌هایشان نزدیک به ۱۰۰ درصد است و این نسبت می‌تواند بین ۹۲ تا ۱۰۰ درصد متغیر باشد.

این به این معناست که منابع سپرده‌ها به تسهیلات تبدیل شده‌اند و حالا این تسهیلات دچار مشکل گردیده‌اند. ارتباط این موضوع با مسائل دیگر قابل بحث است. همچنین، برخی بانک‌ها وجود دارند که نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در آنها ممکن است ۵۰ یا ۶۰ درصد باشد که این نیز موضوعی جداگانه است. بنابراین، نکته‌ای که می‌خواهم مطرح کنم این است که فرض ما مبنی بر اینکه سهامی که امروز می‌فروشیم، سود آن از محل منابع سپرده‌گذاران بوده، در مورد بانک‌هایی که نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در آنها بالا است، صدق نمی‌کند. در واقع، این موضوع از نظر ما وجود ندارد و دارایی‌ها در این بانک‌ها اگر خریداری شده‌اند، از محل منابع سهامداران بوده است و نه سپرده‌گذاران.

موضوع اصلی ما در شبکه بانکی این است که بدانیم سودی که این سهام تولید می‌کند، از کدام منابع تأمین می‌شود. وقتی می‌گوییم ۸۵ درصد منابع شبکه از شبکه بانکی به عنوان تسهیلات پرداخت شده، به این معناست که این منابع به خرید دارایی‌ها اختصاص نیافته است. هرچند اطلاعات دقیقی در این زمینه ندارم، اما می‌توانم بگویم که از این ۱۰۰ درصد سپرده‌ها، تنها حدود ۱۵ درصد به کار گرفته شده است. حالا سوال این است که از این ۱۵ درصد، چه مقدار واقعاً صرف خرید سهام شده است. می‌توانم این داده‌ها را تحلیل کنم و بگویم که شاید ۵ درصد یا ۱۰ درصد، یا حتی یک درصد از این مبلغ به خرید سهام اختصاص یافته باشد.

مسئله دیگری که وجود دارد، مربوط به بانک‌هایی است که نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در آنها نزدیک به ۱۰۰ درصد است. در این مورد، موضوع فروش سود سهام و مسائل مشابه باید به سپرده‌گذاران منتقل شود. به عنوان مثال، در مورد بانک مسکن، نسبت تسهیلات به سپرده ۱۰۰ درصد است. بنابراین، اگر فردا سهامی فروخته شود و سودی حاصل گردد، این سود از محل سپرده‌ها نیست، زیرا سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات استفاده شده‌اند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، مربوط به بانک‌های سهامی عام است.

در همین مدت اخیر، بانکی نزدیک به ۱۰ هزار میلیارد تومان منابع نقدی از سهامداران جذب کرده است. حال اگر این سهامداران بخواهند منابع خود را به آنجا منتقل کنند و این منابع به سود سپرده‌گذاران تبدیل شود، ما از حقوق سپرده‌گذاران دفاع می‌کنیم و مدافع سهامداران نیستیم.

ابوالحسنی: در بانکهای کشور ما دو گروه ذی‌نفع وجود دارد: یک گروه تسهیلات‌گیرندگان و یک گروه سهامداران. غیر از این دو دسته، گروه دیگری وجود ندارد. درست است که در مباحث فقهی و شرعی تأکید بر این است که باید حق هر فردی را به او بدهیم. اما اگر بخواهیم این موضوع را در عمل و مصوبات پیاده‌سازی کنیم، باید توجه داشته باشیم که از این دو دسته، سهامداران به عنوان منبع اولیه در نظر گرفته می‌شوند.

یعنی وقتی بانک تأسیس می‌شود، اعلام می‌کند که من یک بانک هستم، منابع مالی سپرده‌گذاران را مدیریت می‌کنیم. بنده می‌خواهم ابهام شما را برطرف کنم. پول‌هایی که تحت عنوان سپرده‌گذاری دریافت می‌شود، ۸۵ درصد از تسهیلات به سپرده است.

ممکن است بنده بخواهم سهام بخرم یا در موارد دیگر سرمایه‌گذاری کنم، یا ممکن است ذخیره قانونی داشته باشم که نمی‌توانم به راحتی آن را برداشت کنم. بنابراین، ابهام شما برطرف می‌شود. یعنی سپرده‌گذار بر اساس مقررات، سپرده‌گذاری کرده و من به عنوان وکیل بانک، اجازه دارم که این پول را در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنم و از عقود مختلف استفاده نمایم. در واقع حق‌الوکاله را دریافت می‌کنم و باقیمانده متعلق به سپرده‌گذار است، که می‌تواند سود یا زیان باشد. در کشور ایران می‌گوییم که اصل پول سپرده‌گذاران تضمین شده است و اگر کسی اعتراضی دارد، باید به این نکته توجه کند که ممکن است زیان نیز وجود داشته باشد. مقررات فعلی بدین صورت است که باید به سمت اصلاحات برویم، اما هنوز تغییراتی در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین، مشکل اصلی به سود علی‌الحساب مربوط می‌شود.

ما به دلیل مشکلاتی که در قیمت‌گذاری روی پول وجود دارد، نمی‌توانیم به طور دقیق بگوییم که اگر شما ۵۰ درصد سود بردید، این ۵۰ درصد باید به عنوان مشارکت واقعی برگردانده شود تا به سپرده‌گذار پرداخت گردد. همچنین، اگر زیان کرده‌اید، باید حسابرسی انجام شود و به بنده بگویید که چگونه به سپرده‌گذار اعلام کنم که زیان کرده‌ایم. قانون اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

یک نکته فرعی وجود دارد که می‌تواند مشکل ما را حل کند و به اهداف ما در بخش سپرده‌گذاران در پایان سال و برگزاری مجمع مربوط می‌شود. در این مجمع، بانک‌ها باید سود قطعی خود را اعلام کنند.

البته، در حال حاضر، حق سپرده‌گذاران به درستی پرداخت نشده است و این موضوع در سه بررسی اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌های بنده نشان می‌دهد که سپرده‌گذاران به دلیل مقررات موجود، باید سهم خود را از بانک دریافت می‌کردند.

سوال بنده این است که اگر این سرمایه‌گذاری انجام شده و اینجانب به عنوان سپرده‌گذار سود خود را دریافت کرده‌ام، در غیر این صورت، تخلف دیگری رخ داده است؟ اگر چهار سال دیگر، دوباره به این موضوع برگردم و بخواهم تفاوت سودی که دریافت کرده‌ام را بگیرم، چه اتفاقی می‌افتد؟ همچنین، می‌خواهم بگویم که فضای شورای پول و اعتبار بر این اساس بوده که گفته‌اند سودی که از سهام به این افراد تعلق می‌گیرد، شرعی نیست و آقایان این موضوع را مطرح کرده‌اند. در مورد موضوعی که مطرح کردیم، به یاد دارم که در سال ۹۹ مصوبه‌ای داشته‌ایم. بنده به دلایل و مصلحت‌های شورای پول و اعتبار کاری ندارم، اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که هر مقدار از سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر این مصوبه به مصوبه قبلی شورای پول و اعتبار مرتبط باشد، مفهوم پیدا می‌کند. اما اگر به طور کلی به عنوان یک مصوبه مستقل در نظر گرفته شود، به نظر بنده ایراد دارد. چرا که در متن مصوبه پیشنهادی دبیرخانه شورای فقهی آمده است که افزایش سرمایه بانک‌ها از محل فروش سرمایه‌گذاری در سهام، بدون پرداخت حقوق سپرده‌گذاران ممنوع است. بنده می‌پرسم آیا افزایش سرمایه بانک‌ها از محل فروش سرمایه‌گذاری در املاک بدون پرداخت حقوق سپرده‌گذاران ممنوع نیست؟ پس بهتر است متن را بازنویسی کنیم.

مصباحی‌مقدم: این حکمی که ما مطرح کردیم، برای سال‌های آینده نیز قابل استفاده است و تفاوتی ندارد. این موضوع به سهامی که در سال ۹۹ فروخته شده بود، اختصاص ندارد و حکم همچنان معتبر است. قانون عملیات بانکی بدون ربا تصریح کرده است که در ارائه تسهیلات و هر نوع فعالیت مالی که نیاز به تأمین مالی دارد، اولویت با منابع سپرده‌گذاری می‌باشد.

اسلامیان: فرض کنید سپرده‌گذاری برای ده سال در بانکی سرمایه‌گذاری کرده است. سود به دست آمده امروز نباید بر اساس زمان تقسیم شود، بلکه باید بر اساس میزان سرمایه تقسیم گردد. به عبارت دیگر، سود امروز باید بر اساس سرمایه‌گذاری محاسبه شود، نه بر اساس مدت زمان.

محمدپور: سوالی که دارم این است که به نظر بنده، مشابه با سهام، برخی از سپرده‌گذاران در طول دوره‌ای که دارایی خریداری کرده‌اند، هنوز آن را نفروخته‌اند، اما آن دارایی ارزشمند است. ما به این افراد سودی نمی‌دهیم و تنها به کسانی که در آن سال دارایی خود را فروخته و ارزش آن افزایش یافته، سود پرداخت می‌کنیم. ارزش یک دارایی تنها با فروش آن قابل اثبات است. در اینجا ما به دلیل عدم قابلیت اجرا و مشکلات مربوط به آن، از این کار اجتناب می‌کنیم. در سال‌های گذشته، با اینکه ارزش دارایی‌ها افزایش یافته، ما به سپرده‌گذاران اجازه ندادیم که از این ارزش افزوده بهره‌مند شوند. دلیل این امر این است که ما به آنها اطلاع ندادیم که دارایی خاصی وجود دارد که حق و حقوقی را به همراه دارد.

اگر این استدلال را بپذیریم که ارزش افزوده این سود در سال‌های گذشته به سپرده‌گذاران سال‌های قبل نیز تعلق دارد، اما به هر دلیلی، (از جمله عدم امکان محاسبه به دلیل نبود سیستم‌های مناسب)، نمی‌توانیم این محاسبات را انجام دهیم، لذا امکان توزیع سود عملاً وجود ندارد.

مصباحی‌مقدم: در رابطه با بانک و مشتریان، به ویژه سپرده‌گذاران، باید به وضوح بیان شود که به دلیل محدودیت‌های حسابداری، امکان بررسی و محاسبه سودهای تحقق نیافته در پایان هر سال مالی وجود ندارد. بنابراین، در پایان هر سال، ما تنها سودهای تحقق یافته را به عنوان مبنا در نظر می‌گیریم. در طول این چند سال، سودی که قرار بود به سهامداران و سپرده‌گذاران آن سال پرداخت شود، به آنها داده نشده و تحت تأثیر دو یا سه بار تورم قرار گرفته است. لطفاً توجه کنید که به نظر بنده، مصوبه شورای فقهی باید به مرحله اجرا درآید و عملیاتی شود. پرداخت‌ها به سهامداران نیز باید به نسبت حق و سهم آنها انجام شود. حالا که این مشکلات به وجود آمده، باید راه حلی پیدا کنید که نه تنها برای سهامداران مشکل‌ساز نباشد، بلکه سپرده‌گذاران را نیز تحت تأثیر قرار ندهد. برای موارد آینده تدابیر لازم را اتخاذ کنید و نسبت به گذشته نیز باید مصوبه‌ای که تصویب شده، مبنای کار قرار گیرد.

محمدپور: اگر قرار است این موضوع اجرا شود، من از جنبه فنی به آن نگاه می‌کنم. بررسی کنم که آیا از نظر شرعی و عملیاتی، اجرای مصوبه امکان‌پذیر است یا خیر؟ به نظر بنده، اگر بتوانم این سود را به سپرده‌های فعلی پرداخت کنم و این کار، واقعاً امکان‌پذیر باشد، در واقع دارم حق سپرده‌گذاران گذشته را از آنها می‌گیرم و فقط به سپرده‌گذاران جدید از ابتدای سال سود پرداخت می‌کنم.

ابوالحسنی: فرمایش آقای دکتر محمدپور این است که اگر مصوبه ما شامل تمامی سال‌ها می‌شد، می‌توانستیم از نظر حسابداری و فناوری راه حلی پیدا کنیم. اما در مورد پیش نویس مصوبه دوم، انتقاد ایشان وارد است.

مصباحی‌مقدم: می‌توان جمع بندی نظرات شورا را بدین صورت ارایه کرد که نیاز به مصوبه جدیدی وجود ندارد و همان مصوبه قبلی (مورخ ۲۸ تیرماه) پیگیری شود. همچنین در صورتی که سوال یا پیشنهادی در خصوص کیفیت اجرا وجود دارد به دبیرخانه شورای فقهی ارسال گردد.